

آلکسی تولستوی

رنج‌ها

گذر از

قهرمانی پور

Leksei Tolstoi

Ordeal: A Trilogy

www.ketab.ir

سرشناسه	:	تولستوی، آلکسی نیکالایویچ، ۱۸۸۲ - ۱۹۴۵ م.
عنوان و نام پدیدآور	:	Tolstoi, Aleksei Nikolaevich
مشخصات نشر	:	گذر از رنجها / الکسی تولستوی؛ مترجم اسماعیل قهرمانی پور. تهران: سمیر، ۱۳۹۶ -
مشخصات ظاهری	:	۷۶۸ ص.
شابک	:	978-964-220-388-8
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیپا
عنوان اصلی	:	Khozhdzenie po mukam, 1975.
یادداشت	:	کتاب حاضر از متن انگلیسی تحت عنوان «Ordeal: a trilogy» به فارسی برگردانده شده است.
یادداشت	:	کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت منتشر شده است.
رصوء	:	داستان‌های روسی - قرن ۲۰ م.
موضوع	:	Russian fiction - 20th century
شناسه افزودن	:	قهرمانی پور، اسماعیل، ۱۳۱۹ - مترجم.
رده‌بندی گره	:	PG ۳۳۴۹ / ۳۳۶ ۱۳۹۶
رده‌بندی دیوید	:	۸۹۱/۷۳۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۷۵۱۹۰۵



ناشر: انتشارات سمیر

عنوان: گذر از رنج‌ها

نویسنده: الکسی تولستوی

مترجم: اسماعیل قهرمانی پور

چاپ اول: ۱۳۹۷

تعداد: ۵۰۰

چاپ: پیام

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۰-۳۸۸-۸

تهران، خیابان اردیبهشت، کوچه وحید، پلاک ۱، واحد ۴

۶۶۹۶۰۶۰۳-۶۶۴۱۳۷۲۶

www.samirpublication.com

۶۵۰۰۰ تومان

مقدمه

تریلوژی «سه گانه» «گذر از رنج‌ها» داستان بدبختی‌ها، فلاکت‌ها، دربه‌دري‌ها، جنگ‌ها، ریزش‌ها و گرسنگی‌های یک ملت است که ریشه در اندیشه دو انسانی دارد که می‌پندارند می‌خواهند بهشتی دیگر بیافرینند. آنان در اندیشه جهانی متفاوت از جهان روزگار خویش بودند یکی در اندیشه گسترش قلمرو استعماری خود که چون سرانجام ناکام ماند، آرمانخواهی‌اش نام نیک‌آله استعمار و استعمار به خود گرفت و دیگری چون به پیروزی رسید، به مدت همدست با روس‌های فقر ملت و دیگر ملت‌های اقماری‌اش، کمونیسم خوانده شد؛ با حامیان و دین‌چنان بسیار که رؤیای خلق انسان طراز نوین را داشتند و دیدیم که چه گونه چون بتی ترک‌نشد و فرو ریخت و حاصل آن فقر و دربه‌دري سالیان چند مردمی شد که سرانجام خود را باز یافتند و از آن‌جا که روسیه ذاتاً به جهت ساختار استراتژیک و جغرافیایی‌اش کشوری قدرتمند است، در پی فراز و فرودهای بسیار، دیگر بار خود را بازیافت و اگرچه هنوز از ثمرات مساعد سال نظام شورایی، با مشکلات اقتصادی بسیاری دست به گریبان است، به لطف مدیریت که تنها منافع ملی خود را به هر بهایی جست‌وجو می‌کند، حتی به بهای لگدمال کردن دوستان و کسانی که به او اعتماد کرده‌اند، در حال قدرت یافتن و تبدیل شدن به یک ابرقدرت است.

تریلوژی «گذر از رنج‌ها»ی آلکسی تولستوی برخلاف نامش، ماندگاری در رنج‌هاست چراکه تا پایان رمان صحنه‌ای نیست که انسان‌ها از دو حادثه تلخ و دو بلای فراگیر یعنی جنگ و انقلاب رنج نکشند و آسیب نبینند.

آلکسی تولستوی با قابلیت شگفت‌انگیزی یک برهه از تاریخ پراشوب مردم روسیه را به تصویر کشیده است و برای آن‌که خواننده از این همه درد و رنج و مصیبت دلزده نشود که بر یک ملت در طول کم‌تر از یک دهه تحمیل گردید، چاشنی عشق را نیز بر این رمان عظیم افزوده است و شاید تولستوی به رغم میل خویش که به نوعی حامی انقلاب اکبر

۱۹۱۷ است، از زندگی مردم عادی در روزگار تزارها آغاز می‌کند و خواننده بی‌خوابی خویشتن خویش بین دو نظام پیش و پس از انقلاب مقایسه می‌کند و حسرت روزگار آرامش پیش از انقلاب اکتبر را در کلام قهرمانان قصه بازمی‌یابد.

در دفتر اول این تریلوژی با عنوان «دو خواهر» با زندگی سال‌های پیش از انقلاب آشنا می‌شویم، دو خواهر بهانه‌ای است برای معرفی شیوه زیست و زندگی مردم طبقه متوسط در سال‌های نخست دو دهه اول قرن بیستم مردم روسیه. خواهر بزرگ‌تر «کاتیا» به خانه شوهر رفته و خواهر کوچک‌تر برای ادامه تحصیل به پترزبورگ نزد خواهر بزرگ‌تر می‌آید و در دانشگاه به امید آینده‌ای روشن درس می‌خواند، ناآگاه از این‌که چه فاجعه‌ای در پیش روی دارد.

دانشا زیست آن قدر زیبا که شوهر خواهر نیز از او چشم فرو نمی‌بندد و با او قرار ملاقات در خارج از خانه می‌گذارد و دانشا در کمال ادب، شوهر خواهر زیباپرست خود را به جای خود می‌نشاند و دست رد به سینه او می‌زند، بی‌آن‌که خواهر خویش را از تقاضای زشت همسرش آگاه گرداند.

دانشا شیف‌تگان بسیار در پروسه عشق او در سنین نوجوانی و سرآغاز جوانی بر گل‌های بسیار می‌نشیند، اما همه کسی را که به او روی می‌آورند، پس می‌زند و سرانجام عشق یکی را می‌پذیرد و این عشق به بی‌فرجامی کشیده می‌گردد؛ آن‌گاه که قوای ارتش آلمان به روسیه تزاری حمله می‌کند، این ماجرا را تولستوی در کتاب دوم خود با عنوان «سال هجده» با رنگ‌های خاکستری تیره نقش زده و به تصویر کشیده و در همین هنگام است که اندیشه‌های سوسیالیستی و تفکرات لنین در تحقق بخشیدن ذهنیات مارکس، شوروی در محیط کارگری روسیه بر پا می‌کند و کارخانه‌ای که تا پیش از این در آرامش و رفاه نسبی سرگرم کار بودند، غلیانی بر پا می‌کند که مانع از چرخش بازمی‌دارند، دستگاه‌ها و ابزارهای کار را زمین می‌گذارند و سرکارگر با رهنموی مهندسان را به عنوان عوامل و واسطه‌های استثمار می‌خوانند و بدین‌گونه اقتصاد کشور را به رکود رسانده، زمینه‌های شورش عمومی را هموار می‌گردانند.

از همین ناحیه است که نظام تزاری آسیب می‌بیند و ترک‌های عظیم بر ساختار حاکمیتش ظاهر می‌گردد.

و آن‌گاه که آتش جنگ با شدت تمام شعله‌ور می‌شود، نظام تزاری با دو مشکل اساسی مواجه است، یکی جنگ با نیروهای مهاجم خارجی و دودگر جنگ با عوامل داخلی که سودای آن دارند ریشه نظام را برکنند.

لنین و دستیار وی، استالین سرانجام پس از ویرانی‌ها و کشتارهای بسیار پیروز

می‌شوند، در حالی که بخش بزرگی از ارتش تزاری هنوز درگیر جنگ با نیروهای مهاجم آلمانی است.

و زمانی که جنگ خارجی فروکش می‌کند، جنگ داخلی بین دو ارتش سرخ و سفید پای می‌گیرد و ثمره این درگیری‌ها، نابود شدن مزارع کشاورزی، کشته شدن کشاورزان، گرسنگی زنان و کودکان و قدرت گرفتن گروه‌های غارتگری است که گاه به نفع سرخ‌ها و گاه به نفع سفیدها وارد معرکه می‌شوند.

باور این امر دشوار است که چه‌گونه مردمی که یک‌دیگر را می‌شناسند و خویشاوند یک‌دیگرند، در جنگ داخلی روباروی یک‌دیگر قرار می‌گیرند و کشتاری از یک‌دیگر می‌کنند که مرگ، دیگر یک امر استثنایی و رویدادی غیرعادی نیست که برعکس زندگی رویدادی است که صمت و سوی واقعی خود یعنی مرگ را گرفته و فرجام زندگی، یعنی مرگ در ستان قرار گرفته است.

آن‌گاه آدم‌ها به روح بخنید تقسیم می‌شوند، نفاق و نفار در جامعه اوج می‌گیرد و دشمنی‌ها بین افراد یک خانواده بروز می‌کند و هر یک، دیگری را به خیانت و جنایت متهم می‌کند.

و ثمره همین عدالت‌خواهی‌ها (!) ختم نکبت است و از آن شوکت که نویدش را می‌دهند، نشانی نیست.

آلکسی تولستوی کم‌تر اشاره‌ای به چنین وضعی آن به استالین دارد و اگرچه به ظاهر کوشیده در این زمان بلند از هیچ‌یک از دو طرف (سرخ و سفید) دفاع نکند و تمایل به یکی و احیاناً تنافر از دیگری نشان ندهد، اما می‌توان دریافت که گرایش کلی او متوجه سرخ‌هاست و هرچند با توصیفاتی که از صحنه‌های رنج و درد مردم دارد، بی‌اختیار می‌توان دریافت که زندگی مردم پیش از پیروزی انقلاب کمونستی کمتر به مراتب شیرین‌تر و آسوده‌تر از زندگی بعد از انقلاب‌شان بوده، چنان‌که در آخرین قسمت کتاب وقتی سرانجام خانواده چهارنفره قهرمان قصه به گرد هم جمع می‌آیند، از یک‌دیگر می‌پرسند آیا ممکن است آن نان مستمر و آن امنیت پیشین دیگر بار حاصل شود؟ تولستوی پاسخی نمی‌دهد، اما تاریخ پاسخ داده است.